حضرت پیغمبر را از همه اندیشه‌ها مجرد ساخت و طالبان طریق طریقت و سالکان مناهج حقیقت را تنبیه کرده اند که بغیر من منفعت نشود که
زمام امر بدست سید الاولین و آخرین نداده ام تا بدیگران چه رسد قل ان الامر کله لله ای کار امر مشیت و عنان امور اهل آسمان و زمین
در قبضه لطف و قهر من وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ و مر خدا راست آنچه در آسمانهاست لفظ ما دلالت بر حقایق و ماهیات دارد وَمَا فِي الْأَرْضِ
و آنچه در زمینهاست تعمیم میکند یعنی مرا نه همین عالم امر است و بس عالم خلق نیز از آن منست الا له الخلق والامر و کسی که چنین اختیاری
و اقتداری باشد يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ بیامرزد هر کرا خواهد وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ و عذاب کند هر کرا مشیت او بدان متعلق شود و ابن عباس رضی الله عنهما
گفته که گناه بزرگ عفو فرماید از هر که خواهد و بگناه خورد عذاب کند هر کرا خواهد وَاللَّهُ غَفُورٌ و خدای آمرزنده است دوستان خود را
رَحِيمٌ مهربانست بر بندگان خود پس تو نیز که حبیب منی بر ایشان دعا بد مکن و ازین بود که حضرت پیغمبر صلوات الله علیه برای جان بخشی ایشان
روز کارزار چنین دعا فرمود اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون خدایا این قوم را راه راست بنمای و ابواب هدایت بر روی ایشان
بگشای که نمیدانند و از عهده شرایط خدمت تو و حرمت من بیرون آمدن نمی توانند ای عزیز جای که با دشمنان معامله بدین نوع میکنند
توان دانست که مهم دوستان بچه صورت سازند بیت زیشان که خصم را بنوازش مراعا کنی تا در زمان دوست نوازی چها کنی
و چون مشرکان درین حرب لشکر بسیار و مال و سلاح بی شمار داشتند و نفقه که بدان تهیه اسباب این عساکر کرده بودند از مال ربوا
حاصل شده بود و امکان داشت که بعد از مشاهده عدت و شوکت ایشان بر خاطر بعضی از مسلمانان چنین خطور کردی که ما نیز بربوا
اقدام باید کرد تا مال بسیار حاصل آید و بر لشکر نفقه کنیم تا آراسته گردند و توانیم که از دشمنان انتقام کشیم حق سبحانه بکلی
خوردن ربوا نهی فرمود تا آن اندیشه بر دلها نگذرد و گفت يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای گروندگان و باور دارندگان لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا
مخورید مال ربوا و تصرف مکنید و مگیرید آنرا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً افزوده و زیرا که گفته اند اضعاف در دراهم است و مضاعفه در اجل
چه در جاهلیت یکی مال را بربوا می داد تا وقتی معین اگه در اجل در ربوا می افزود تا وقتی که باندک چیزی همه مال مدیون مستغرق میشد
حق تعالی یکی را دو جایز ندارد که بستانند و خود یکی را ده و بدین معنی اشارت بدانست که این کرم لایق خلق نیست صفت خداوند تعالی است
وَاتَّقُوا اللَّهَ و بترسید از خدای یعنی از آنچه نهی کرده و دلیری مکنید لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ شاید که شما رستگار گردید فلاح موقوفست بر تقوی
بجهة آنکه تزکیه مقدم باید بر تحلیه ای عزیز جمعی را که رفع وسایط کرده اند فرمود که بترسید از خدای و طایفه را که نظر بر واسطه دارند میگوید
وَاتَّقُوا النَّارَ و بترسید از آتش یعنی بپرهیزید از عملی که موجب آتش باشد الَّتِي آن آتشی که بهیبت ربانی أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ
آماده کرده شده است مر کافران و غیر ایشان از اکله ربوا و خورنده مال یتیم و مانند ایشان و تخصیص بکافر جهت آنست که آتش دوزخ
بالذات برای کافرست و بالعرض برای عاصیان تباه کار یا کافر را نار تعذیب است و مومن عاصی را نار تادیب و اینجا تعذیب را ارادت
و آن نیز گفته اند که نار فجار را هولیست از نار کفار فقیه ابو اللیث در تفسیر خود آورده که این وعید مستحل ربوا است چه بنده
ربوا کافر شود و در قرآن مجید از خوردن چهار چیز نهی صریح واقع است اول مال مردمان بناحق وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِالْبَاطِلِ و جزای خوردن
آن مال آتش است که وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا دوم مال یتیم وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا و مکافات آن

آتش با

آتش باشد إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا سیوم ذبیحه که نه بر نام حق تعالی کشته باشند وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ خوردن آن فسق است
وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ و فاسق سزای آتش باشد چهارم مال ربوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا و مال آن نیز با آتش انجامد وَاتَّقُوا النَّارَ ای ...
آتش محنت در جگر سوخته مدیون می افکنند لاجرم جزای ایشان هم با آتش میکنند که آذین مدان بیت هر آن آتش که ظالم بر فروزد
همان آتش دگر او را بسوزد پس بعد از ترهیب مخالفت ترغیب مینماید بطاعت و میگوید وَأَطِيعُوا اللَّهَ و فرمان برید خدای را در آنچه بر شما
فریضه گردانیده وَالرَّسُولَ و اطاعت کنید رسول را در آنچه از خدای خبر داده لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ باشد که شما رحمت کرده شوید و در آیت
نیفت لفظ لعل اشارت بآن میکند که طاعت سبب رحمت نیست مادام که مسبوق بکتاب نباشد ای بطاعت همین رجا حاصل
شود و بس اما رحمت متعلق بعنایت است ع تا یار کرا خواهد و میلش بکه باشد پس بندگان را بعد از تحریص بر طاعت از فوات رحمت
تحذیر مینماید و میفرماید وَسَارِعُوا و بشتابید و مبادرت نمایید در مصحف مدینه و شام بی واو سطور شده و اسقاط حرف عطف بجهت
طاعة و مسارعت که گویا شئ واحد اند و در مصاحف مکه و کوفه و بصره بواو مکتوبست بتقدیر عطف بر اطیعوا یعنی فرمان برید و مسارعت
نمایید إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ بدان چیزی که سبب آمرزش باشد شما را مِّن رَّبِّكُمْ از پروردگار شما اقامت لازم و مقام هر قوم بجهت سوق
بندگانست بآنچه موجب مغفرت باشد و آن کلمه شهادتست که گناه زمان کفر ببرکت اقرار بآن یا تصدیق بجنان آمرزیده میشود قُل لِّلَّذِينَ
كَفَرُوا إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم مَّا قَدْ سَلَفَ یا ادای فرایض که بیمنت آن ارقام ذنوب و آثام از دفاتر اعمال محو گردد إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ یا تکبیر اول که ادراک آن بجماعت از مجموع مستلذات و متمتعات دنیا بهتر است التکبیرة الاولی خیر من الدنیا
وما فیها یا صف اول از جماعت که وسیله رحمت حق و ذریعه دعا ملایکه است که ان الله وملائکته یصلون علی الذین یصلون
الصفوف الاولی یا نماز جمعه که کفارت خطیات اسبوع سابقست که الجمعة الی الجمعة کفارة لما بینهما یا اعمال صالحه که با وجود آنکه سبب
محو سیئاتست موجب مزید حسنات نیز هست وعملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا یا اخلاص که اقتضا طاعت بی ریا
او که در بازار قبول رایج نیست وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ یا هجرت که بر قدمی رقم کری بر صفحه حال جهاد میکشند و ان
الهجرة تهدم ما کان قبلها یا متابعه سنت نبوی که منهج قویم و صراط مستقیم است من تمسک بسنتی عند فساد امتی فله اجر
مائة شهید یا صلوات بر حضرت پیغمبر صلوات الله علیه که چون یک نوبت موتی شود برات ده درجه رحمت از دیوان عنایت بنام مصلی
رقم زنند من صلی علی مرة صلی الله علیه عشر مرات یا جهاد و بمقتضای مقام خود اهمیت چه این آیات در قصه احد نازل شده پس ابن
الجهاد و ما یتعلق به انسب است و جهاد عملیست که از کتاب آن بمقتضای حدیث صحیح ثواب صیام و قیام و قنوت بر دوام بامن
حاصلست و بره نمای شهادت سعادت دخول و خلود جنان بمجاهد واصل الجنة تحت ظلال السیوف یا صدقه که ادای آن اطفاء نایره
غضب ربانی فرموده متصدق را بروضه رضای سبحانی رساند صدقة السر تطفئ غضب الرب یا توبه که رشحات برکاتش صحایف
اعمال از الواث خطایا شسته و پاکیزه کرده التائب من الذنب کمن لا ذنب له یا استغفار که استظلال بظلال نوالش از تاب
آفتاب عقاب حمایت کند لا تزال العفو لهم ما استغفروا و فی ابو بکر وراق رحمه الله برانست که موجب مغفرت امتثال اوامر است

Copyright © King Saud University